

بررسی ابعاد نقش تربیتی خانواده در دوران بحران (ویروس کوید ۱۹)

شیرین محمدی پناه^۱، مریم فرقانی^۲

کرونا، زندگی انسانها را در یک مقیاس کلان تحت تأثیر قرار دهد و کل بشریت را درگیر نماید و روش زندگی همگان را بر هم زند. پیشرفتهای علمی و تجربه‌های زیستی چندین میلیارد انسان در طول تاریخ، در برابر قدرت و تهاجم این ویروس، بسیار کوچک و ناچیز است. حال با پیشرفت این بیماری، بسیاری از وقایعی که در کتب تاریخی و نیز باستانی و کتب آسمانی روایت شده بود اما برای ما غیرقابل‌باور مینمود و چه‌بسا به تمسخر گرفته میشد، به باوری شگفت‌انگیز تبدیل شده است (تورانی، ۱۳۹۹: ۱۰۷). با توجه به سرعت انتقال این بیماری و شیوع آن در بیشتر کشورها، از سوی سازمان بهداشت جهانی وضعیت اضطراری اعلام شده است. این بیماری منجر به آسیب‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی قابل‌ملاحظه‌ای در سراسر جهان شده و عواقبی آسیب‌زا در جوامع بدنبال داشته است (Parker, 2013).

بر همین اساس دولتها و نظام‌های بهداشت عمومی، با اعلام وضعیت اضطراری اقداماتی گسترده برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری انجام داده‌اند. بیماری کرونا سبب زندگی میلیونها نفر را در جهان تغییر داده و سرعت انتقال این بیماری و مرگ و میر ناشی از آن، منجر به هراس مردم از ابتلا به این بیماری شده است (Brooks et al., 2020).

استرس ناشی از این بیماری و آثار مخرب روانی - اجتماعی آن، سلامت، بهزیستی روانی و سازگاری همه گروه‌های سنی را تحت الشعاع قرار داده است. از اینرو قرنطینه بعنوان روشی مؤثر برای پیشگیری از انتقال و شیوع این بیماری واگیردار بکار گرفته شده است (Barbisch, et al., 2015)، در حالیکه تحمل قرنطینه طولانی‌مدت، برای اغلب افراد، بویژه کودکان و نوجوانان، تجربه‌ی ناخوشایند و استرس‌زا تلقی شده و تغییراتی را در روند زندگی آنان ایجاد کرده است (Rubin, and Wessley, 2020).

با وجود این، پس از گذشت حدود یک سال از این بحران، باید بیش از پیش به نقش اساسی خانواده بعنوان اولین کانون تربیت کودک و والدین بعنوان نخستین معماران شخصیت او توجه کرد. لازم بذکر است که چگونگی شکلگیری ارکان و پایه‌های شخصیت انسان، به نحوه تربیت او در شرایط مورد بحث بستگی دارد. در این

چکیده

خانواده، محیط طبیعی کودک محسوب میشود و در رشد وی بسیار تأثیرگذار است اما ساختار درونی خانواده‌ها با توجه به شرایط اقلیمی، آداب و رسوم، فرهنگ و محیط اجتماعی با یکدیگر بسیار متفاوتند و این درحالی است که بروز پدیده‌های گوناگون - از جمله شیوع بیماری کرونا - بدلیل تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی عموم مردم، نقش تربیتی خانواده‌ها در مواجهه با چگونگی و نوع برخورد با کودکان را پررنگتر ساخته و پیامدهای روانشناختی و فیزیولوژیکی متفاوتی را بدنبال داشته است. طبق بررسیهای انجام شده بیماری کوید ۱۹ تأثیراتی فراتر از امر پزشکی، بهداشتی و حتی اقتصادی برجا گذاشته و زندگی روزمره مردم و روابط خانوادگی - اجتماعی و فعالیتهای عمومی، روحی، عاطفی، تربیتی و مذهبی آنان را تحت تأثیر قرار داده است، بهمین دلیل هدف نوشتار حاضر تبیین چرایی ضرورت توجه به نقش تربیتی خانواده‌ها و تأثیر آن بر درک مفاهیم کاربردی در ایام کرونا و یادگیری متفاوت کودکان در این دوران است. نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است که با مطالعه منابع کتابخانه‌ی و تمرکز بر ادبیات نظری - پژوهشی، به بررسی نقش تربیتی خانواده در دوران بحران (کرونا) پرداخته است. کلیدواژگان: خانواده، کودک، تربیت، بحران، کوید ۱۹.

مقدمه

جهان همواره دستخوش ناملایمات گوناگون بوده و هست. برخی از این حوادث، مانند یک چالش بزرگ ملی، منطقه‌ی و جهانی، تمام بشریت را به مبارزه طلبیده و گاه در سطح بحرانی جهانی نمایان شده است. تجربه‌ها و تاریخ‌نگاریها نشان میدهد که هیچکدام از این اتفاقات، رنجها و بحرانها نتوانسته است در ابعاد و اندازه بحران جدید (بیماری

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۳

۱. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی (الهیات)؛ مدرس دانشکده فنی و حرفه‌ی شاهرود، سمنان (نویسنده مسئول)؛

sh313.mohammadipناه@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری علوم تربیتی؛ مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران.

دوره بسبب حضور والدین و اطرافیان، رفتار کودک تکوین می‌یابد زیرا انسان بیشتر عادات زندگی خود را در دوران کودکی کسب میکند و تقریباً در این دوران کیفیت سازگاری با محیط را نیز فرامیگیرد (عطاران، ۱۳۸۲: ۲۳). در مورد نحوه تعامل والدین با فرزندان، دیانا بومریند (Diana Bumrin) والدین را به سه دسته اصلی تقسیم نموده است: الف) سهلگیر (Permissive parent)؛ ب) سختگیر (authoritarian)؛ ج) مقتدر (authoritative). او بر مبنای این طبقه‌بندی، معتقد است سه شیوه تربیتی متفاوت در خانواده‌ها دیده می‌شود که هر یک، آثار و نتایج مختلفی در شکلگیری شخصیت، رشد و تربیت اجتماعی، عاطفی، هیجانی، عقلانی و... فرزندان دارند (برگ، ۱۳۶۸).

شایان ذکر است که هر یک از مکاتب روانشناسی (همچون رفتارگرایی)، بر اساس کارکردهای آموزشی - تربیتی خانواده و مبانی و اصول خود و بر حسب تأکیدی که بر یکی از ابعاد رفتاری، انگیزشی، شناختی و... دارند، الگو و روشی خاص برای فرزندپروری و تربیت معرفی میکنند. آموزه‌های اسلامی و متون دینی، ما را به رعایت اعتدال در روابط اعضای خانواده، بویژه رابطه والد و فرزند و شیوه تربیتی دعوت میکنند. در فرهنگ اسلامی، فرزندان امانتهای الهیند و خانواده مسئول حفظ سلامت، رشد، تربیت و سعادت آنهاست (دلاوری پورپاریزی و صفروایی پاریزی، ۱۳۸۹: ۳۶).

با نگاهی دقیق به دین مبین اسلام میتوان دریافت که تنها راه سلامت جامعه و رسیدن به جامعه‌ی صالح، وجود خانواده‌های صالح و کارکرد مناسب آنها در همه ابعاد زندگی است تا منافع و آینده فرزندان در پرتو ارزشهای اخلاقی و اسلامی تأمین گردد. بطورکلی، حقیقت تکوین شخصیت فرزندان در محیط خانه است و تربیت مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت، تکلیفی بر عهده خانواده است که قابل اغماض نیست و رشد نسل نوحاسته جامعه، منوط به ادای درست این تکلیف است وگرنه جامعه آسیبهای بسیاری خواهد دید (کاظمی و منصورزاده، ۱۳۹۳).

باید توجه داشت که بدون آگاهی از راه و رسم تربیت، نمیتوان به سازندگی و پرورش فرزند پرداخت. کودکان در مراحل مختلف رشد نیازمند راهنمایی والدین هستند و باید بر اساس ضوابط و مقرراتی خاص، اقدام به تربیت آنها نمود. مربی باید راه و روشهای لازم تربیت را بداند، چراکه بدون آگاهی نمیتوان به این امر پرداخت؛ عدم آگاهی آگاهی موجب آسیبهایی جبران‌ناپذیر بر روان کودک شده است. آنچه در تربیت کودک مهم است، اینست که والدین

باید اطمینان کودکان را به خود جلب کنند تا تصمیم‌هایشان بر فرزندان مؤثر واقع شود و کودک نیز باید به آگاهی و توانایی والدین اعتماد کند و بداند که آنها خواهان خیر و سعادت او هستند و آنچه انجام میدهند، برای آسایش اوست. ضروری است که کودک درک کند والدین او افرادی صمیمی، فداکار، آگاه و با تجربه هستند که دغدغه خوشبختی او را در سر دارند و قصد آسیب رساندن به وی را ندارند؛ انگیزه پدرها و مادرها حتی از بر خوردهای تندی که گاهی ممکن است پیش بیاید، فقط و فقط تربیت کودکان و رشد و تعالی آنهاست. پس برای آنکه فرزندان نسبت به همه رفتارهای والدین خوشبین باشند، والدین باید اعتمادسازی کنند و اطمینان آنها را کاملاً جلب نمایند (قائمی، ۱۳۷۴: ۷۸-۷۹).

با توجه به آنچه بیان شد میتوان نتیجه گرفت که دانش و گاه شرط اصلی به سامان رساندن کارها و دستیابی به اهداف است. گاهی دانش و تجربه ضرورت بیشتری پیدا میکند که یکی از آنها امر تعلیم و تربیت فرزندان است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَائِفِسِدًا أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ؛ کسی که ندانسته و بدون علم، عملی انجام دهد، خراب کردنش از درست کردنش بیشتر است» (کلینی، ۱۳۷۴: ۵۵ / ۱). همچنین میفرمایند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَازِمٌ لِيَذُوهُ سُرْعَةً السَّيْرِ الْإِبْغَادُ؛ هر که بدون بصیرت کاری انجام دهد، مانند کسی است که به بیراهه میرود که هر چه شتاب کند، از هدف دورتر میشود» (همان: ۵۴). استاد مطهری در اینباره میگوید: «مسائل تربیتی، بسیار مسائل حساسی است. تیغ دو دم است؛ یعنی این مسائل اگر خوب و صحیح آموزش داده بشود، اثر بسیار عالی دارد، ولی اگر یک ذره از مسیر خودش منحرف شود، صددرصد اثر معکوس دارد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۷).

از اینرو، باید گفت:

در دورانی که بعلت گسترش و پیچیدگی فرهنگ و تمدن بشری، انجام دادن هر کار نیاز به تخصص و آموزش دارد، (متأسفانه) اساسیترین و پرارزشترین کارها که تعلیم و تربیت انسانهاست، در جامعه ما در زمان حساس این بیماری مسری، دیده میشود بعضاً بدون آموزش لازم و کافی انجام میپذیرد.

شایان ذکر است که یکی از معایب ریشه‌ی نظام تربیتی ما اینست که بر آموزش کافی و لازم متکی نیست. پدران و مادران، نه در خانه و نه در مدرسه،

برای زندگی و تربیت فرزندانشان هیچگونه آموزشی نمیبینند. انسانی که سازنده همه کارهاست، باید کار عظیم ساختن دیگران را بر اساس دانشی درست استوار گرداند، نه بر پایه‌های لرزان تجربه‌های ناقص و محدود خود. برخی از والدین توانسته‌اند بکمک دانش و تجربه خود، روشهای مناسبی را در پرورش فرزندان خویش بکار برند و در تربیت کودکانی شایسته، موفق باشند. با این حال، بسیاری از والدین در تربیت کودکان خود، از اصول و شیوه‌های آگاهانه و درستی پیروی نمیکنند و حاصل چنین کار بیفرجامی، مشکلات جسمی، ذهنی و عاطفی فراوان کودکان و محروم بودن آنها از آمادگی و توانایی لازم در جهان پرتلاطمی است که نیاز به تفکر، ابتکار و تحرک دارد (ماکارنکو، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۰).

حال که خانواده و نظام آموزش و پرورش، درگیر بیماری کوید ۱۹ است مسئله ریشه‌یی عدم آموزش بیشتر نمایان میشود. ابن‌سینا درباره نقش آموزش میگوید: «مربی و معلم باید به کار خویش آگاهی کامل داشته باشد و در تربیت نفوس، آگاه و بصیر باشد. وی باید در تعلیم دانشها و حرفه‌ها به کودک، حاذق باشد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۹۸).

خانواده و تربیت

خانواده اولین و مهمترین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و عقاید و باورهای خود را از آنجا کسب میکند. دین اسلام همواره به خانواده توجه داشته است. نهاد اولیه تعلیم و تربیت، خانواده است و ارزشها، خواه مستقیم خواه غیرمستقیم، از طریق پدر و مادر و سایر بزرگسالان به کودک منتقل میشود (نیکزاد، ۱۳۷۵: ۶۵).

خانواده در اسلام جایگاهی رفیع دارد. این نهاد کوچک ولی مقدس، پایگاه عروج و کمال انسانها و محیط تربیت و پرورش نهال فطرت و استعدادهای نسل آینده است. خانواده مهمترین رکن ترقی و تکامل جامعه است. چنانچه خانواده در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های قرآن و سنت قرار گیرد، نقشی مهم در پیشرفت جامعه خواهد داشت (بیگی، ۱۳۸۹: ۳۵۵).

با توجه به شرایط ایجادشده و معرفی بیماری کرونا توسط سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization) (۲۰۲۰) بعنوان تهدیدی بزرگ برای سلامت جسمانی و روانی آحاد جامعه و تأثیر آن بر سبک زندگی خانواده‌ها (Shen, 2020)، نکات ارزشمند و کاربردی‌یی که

اندیشمندان علوم تربیتی در اینباره ارائه کرده‌اند بسیار راهگشاست. گاش، دابی و چاترجی (۲۰۲۰) معتقدند در زمان بروز بحران بویژه بیماریهای همه‌گیر، کودکان بدلیل حساسیتهای بالایی که دارند، به مشکلات روانشناختی بیشتری دچار میشوند، زیرا با شیوع بیماری مراکز مختلف از جمله مدارس تعطیل شده و فعالیتهای اجتماعی شدت محدود میشود و برنامه‌های تفریحی و اوقات فراغت خارج از خانه لغو شده یا بسیار کاهش می‌یابد. علاوه بر این، بیماری کوید ۱۹ با تأثیرگذاری بر رفتار روزمره مردم، منجر به افزایش اضطراب، افسردگی، ترس و نگرانیهای مزمن در میان افراد جامعه و خانواده‌ها (بویژه کودکان) شده است. بر همین اساس، در دوران بحران انسان بیش از پیش به رعایت نکات تربیتی بزرگان و اندیشمندان نیاز دارد، زیرا هم بزرگسالان و هم کودکان درگیر شرایطی متفاوت هستند که قبلاً آن را تجربه نکرده‌اند.

در چنین شرایطی بهره‌گیری از قرآن و الگو قرار دادن آن در مواجهه تربیتی بلحاظ روش و محتوا، مفید و حتی ضروری است. قرآن خود را کتاب هدایت معرفی کرده است و خداوند در مقام خالق و مربی انسان بهتر از هر کس، زوایای وجود او، نیازها، توانمندیها، قابلیتها و خواسته‌های وی را میشناسد. «و هو اعلم بمن اهدی سبیلاً» (اسراء/ ۸۴) و «و هو یعلم السر و ما اخفی» (طه/ ۶). در واقع فقط خداوند از شاکله وجودی انسان که ممکن است بر خود او نیز پوشیده باشد، آگاه است و در نتیجه روش مؤثر مواجهه با انسان را میشناسد و معرفی میکند. مفهوم شاکله و آیات مربوط به آن حاوی مضامینی است که توجه به آنها در کارآیی و اثربخشی برنامه‌های تربیتی بسیار حائز اهمیت است.

باید توجه داشت که پدر و مادری که بموقع به تربیت فرزند میپردازند، زحمت و هزینه کمتری را متحمل میشوند، زیرا تربیت فرزند در دوران خردسالی و نوجوانی و حتی جوانی، بسیار آسانتر از دوران بزرگسالی است. والدین باید بدانند هر چه فرزندشان بزرگتر شود، تربیت او دشوارتر میشود؛ چراکه گذشت زمان، ریشه و ویژگیهای ناپسند را در دل آدمی استوارتر میسازد و در نتیجه، از بین بردن آنها نیز سختتر میشود. ماکارنکو در اینباره معتقد است:

معمولاً تربیت درست، از همان آغاز کودکی، برخلاف تصور خلیهها، چندان دشوار نیست. هر پدر و مادری میتواند از پس دشواریهای این کار برآید و تربیت درستی به فرزندش

بدهد، ولی تربیت دوباره، از زمین تا آسمان با این متفاوت است. اگر فرزندان را بد بار بیاورید، اگر در تربیتش کوتاهی کنید، آن وقت باید خیلی چیزها را اصلاح کنید و از نوبسازید و این اصلاح و تربیت دوباره، کار چندان ساده‌یی نیست؛ چراکه همراه با زحمت و هزینه بیشتری خواهد بود. از اینرو به پدران و مادران توصیه میشود همیشه بخاطر داشته باشند که فرزندان خود را چنان تربیت کنند که مجبور نشوند چیزی را اصلاح کنند. باید تمام سعی خود را بکار برد که همه چیز از همان اول درست انجام شود (ماکارنکو، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۰).

با این رویکرد و با استفاده از شیوه تربیتی مطرح شده فوق، احتمال به بیراهه رفتن کودکان و نوجوانان و سردرگمی آنان کاهش می‌یابد، زیرا شاکله و شخصیت فرزندان بدرستی شکل گرفته و قوه عاقله سکندار قوای دیگر میگردد. علاوه بر این، درست است که انسانها از لحاظ نوع بشری، در تعریف منطقی با عنوان حیوان ناطق، بعنوان نوع واحدی از موجودات معرفی میشوند، اما در جریان تحقق واقعی زندگی انسان، خروج قوه عاقله هر کس از حالت بالقوه و هیولایی بسمت فعلیت، به میزان و شکل معینی صورت میپذیرد و هر انسانی در مرتبه‌یی خاص از وجود قرار میگیرد و نوعیت فردی ویژه‌یی پیدا میکند؛ عبارت دیگر، گویی هر انسانی خود، نوعی ویژه از موجودات است. ظهور نوعیت فردی بمعنای همان تشخیص فردی است که تفکرات، احساسات، نیات و اعمال او را میسازند. از جمله شواهدی که در آثار ملاصدرا بر ظهور نوعیت فردی انسانها دیده میشود، بحث او در مورد مراتب خلقت الهی با استناد به آیه ۸۳ سوره فاطر است (ملاصدرا، ۱۳۸۶).

کودکان در جریان شیوع بیماری کوید ۱۹ اغلب بدلیل انزوای اجباری و تعطیلی مدارس، مجبورند بمدت طولانی در خانه بمانند که این امر سبب شده مشکلات رفتاری و هیجانی بیشتری از خود نشان دهند (Zhang, 2020). چه‌بسا اگر والدین با استفاده از کتب مفید و کاربردی، مناسب با سنین فرزندان خود، و استحکام حلقه عاطفی در خانواده، حس ارزشمندی را به فرزندان منتقل نمایند تا فرزندان خود، والدین و اطرافیانشان را منحصر بفرد و دارای قدرتی الهی بدانند، قطعاً بسیاری از مشکلات روحی، روانی و جسمی حاصل از شرایط قرنطینه کاهش خواهد یافت.

بنابراین از دیدگاه ملاصدرا، هدف اساسی تربیت، سعادت حقیقی انسان است که مترادف با شکوفایی عقل نظری است (حسنی و موسوی، ۱۳۹۷). صدرالمآلهین با نظر به تدریجی

بودن ظهور قوای نفس، این نکته را از منظر تربیتی مورد توجه قرار داده است که: «تربیت، هویت پایداری را در انسان ایجاد میکند که هر یک از این هویت پایدار، بواسطه یکی از نیروهای نفس ایجاد میشوند. این نیروها بشکل دفعی در انسان حضور ندارند بلکه بتدریج و در طول زمان در انسان پدید می‌آیند. نوزاد انسان واجد تمامی نیروهای نفس نیست، بنابراین نمیتوان یادگیری مخصوص فردی را که قوای او فعال شده است، از او توقع داشت». نتیجه آنکه، در شرایط بحرانی نباید ناخواسته تسلیم شرایط شد اولیا موظفند، به آرامی مضامین و قواعد اصولی و صحیح تربیتی را در خانه اجرا کنند ولی از شتاب و عجله پرهیز نمایند. از دیدگاه ملاصدرا، سعادت غایی در تعلیم و تربیت زمانی حاصل میشود که ایمان و اعتقاد به مبدأ و معاد، ایجاد گردد و بر اساس آن، عمل خیر و صالح انجام شود؛ دلیل آنکه سعادت برتر را به عقل نظری ارجاع میدهد اینست که ایمان را از شئون عقل نظری میدانند.

در آموزه‌های اسلامی نیز تعبیر «عقل گفتاری» و «عقل کرداری» بکار رفته است، چنانکه حضرت علی (ع) در وصف انسانهای مطلوب، میفرماید: «دین را با عقل فراگیر و ملتزم مورد اندیشه قرار دادند، نه با عقل شنیداری و گفتاری. برآستی که راویان علم بسیارند و ملتزمان به آن اندکند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۳: ۴۸۴). در این شرایط والدین علاوه بر خوانش کتب و مطالب مفید و کاربردی و سخنان امیدبخش و دلگرم‌کننده، باید بگونه‌یی رفتار کنند که فرزندان آنها را الگو قرار دهند. بدلیل شرایط منع حضور اجتماعی، اعضای خانواده بیشترین زمان خود را در خانه میگذرانند و چنانچه بدرستی از این فرصت استفاده شود، مشکلات اعتیاد به فضای مجازی و نگرانی خانواده‌ها در استفاده از این فضا نیز بشدت کاهش می‌یابد. بهتر است در این مسیر تربیتی به تفاوت‌های فردی اعضای خانواده نیز توجه شود، چرا که اصل توجه به تفاوت‌های فردی ناظر به مبنای ظهور نوعیتهای فردی است و از دیدگاه ملاصدرا، آدمی در جریان تحول خود دارای مراتبی مختلف است و ساحت هرکدام از این مراتب نسبت به دیگر مراتب، متفاوت است. صدرالمآلهین در این مورد، نمونه‌یی را توضیح میدهد که به آن اشاره میکنیم:

در زندگی معمولی مشاهده میکنیم که برخی افراد دارای این توانایی هستند که انجام یک کار آنها را از انجام دادن کارهای دیگر بازنمیدارد؛ مثال: در عین اینکه کارهای حرکتی انجام میدهند، میتوانند کارهایی از سنخ کارهای ادراکی هم بکنند، اما برخی دیگر تنها توانایی انجام یک

کار را دارند؛ مثال: وقتی مشغول فکر کردن هستند، حس آنها مختل میشود یا وقتی در حال احساس چیزی هستند، نمیتوانند فکر کنند، یا وقتی در حال انجام کارهای حرکتی ارادی هستند، دیگر نمیتوانند چیزی درک کنند. بنظر ملاصدرا این وضعیتی است که نفوس ضعیف دچار آن هستند (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۱).

با اندکی بررسی درمی‌یابیم که ماندن در خانه برای بسیاری از کودکان ناخوشایند است و این امر به افسردگی آنان منجر میشود. از سوی دیگر، کودکانی که بر اثر این بیماری، یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند، بدلیل ناتوانی در سوگواری، دچار استرس پس از آسیب یا استرس حاد میشوند (Roccella, 2020). در حالیکه در برخی از آنها نشانه‌های کمتری از استرس را میتوان دید. والدین باید به تفاوت‌های فردی فرزندان خود توجهی ویژه داشته باشند. بهمین دلیل میتوان نتیجه گرفت که فرد تربیت‌شده یا سالم را نباید متفاوت از محیط، مستقل از محیط، یا مخالف محیط دانست بلکه او بیشتر «محیط‌محور» است؛ یعنی میتواند بر محیط چیره شود و در ارتباط با محیط، از صلاحیت و کفایت و اثربخشی لازم برخوردار است؛ میتواند خوب کار کند و با کار و همکاران خود روابطی خوب داشته باشد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

در آموزه‌های اسلامی نیز بر وجوب تربیت فرزندان بسیار تأکید شده است؛ از آن جمله میتوان به حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) اشاره نمود که میفرماید: «بهترین ارثی که پدران میتوانند به فرزندان خویش بدهند ادب و تربیت صحیح است» (نوری، ۱۴۰۸: ۱/ ۱۴۸). ایشان در کلامی دیگر فرموده‌اند: «ما نحل والد ولداً نحلأ افضل من ادب حسن؛ هیچ پدری به فرزندش، موهبتی مانند تربیت نیکو نبخشیده است» (همان: ۲/ ۶۲۵).

علاوه بر موارد ذکرشده باید توجه داشت که اهمیت و ضرورت تربیت فرزند در خانواده بحدی است که تبعات اشتباهها و خطاهای دوران کودکی در بقیه دوران زندگی وی نیز منعکس میشود و همه عمر با او همراه بوده و باقی خواهد ماند. مونته سوری درباره اهمیت و نقش خانواده میگوید: «آن دستی که گهواره را میچناباند در واقع دنیا را میچرخاند» (مونته سوری، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

روشن است که نقش تربیتی مادران در خانواده بسیار مهم و اساسی است تا آنجا که امام خمینی (ره) در بخشی از بیانات خود میگوید: «صلاح و فساد یک جامعه از صلاح

و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه میگردد. زن یکتا موجودی است که میتواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش نه یک فرد بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند و میتواند بعکس آن باشد» (جاویدی، ۱۳۹۸). تحقیقات نشان داده زنان برغم وجود احساسات و هیجانات لطیف فطری، در برابر شرایط بحرانی مقاومتر بوده و با مسئولیت‌پذیری مضاعف، بدنبال راهکارهای مناسب برای حل مسائل دشوار هستند.

در حوزه تربیتی و آموزشی مادران بیشتر از همه در معرض اضطرابند و بیشترین مسئولیت را در دوره همه‌گیری بر عهده داشته‌اند. این موضوع با تعطیلی مدارس و تقبل وظایف دیگر، از جمله توجه بیشتر به امر تحصیل فرزندان اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

زنان بدلیل برخورداری از جایگاهی ویژه در مسائل تربیتی و مراقبتی خانواده و اجتماع، در شرایط بحرانی معمولاً انتظار بیشتری از خود دارند و بعنوان یکی از ارکان اصلی خانه، باید بتوانند شرایط مساعدتری را فراهم نمایند و نقش خود در مهار بحران را بخوبی ایفا کنند. آنها با تحمل شرایط ناعادلانه و دشواریهای بسیار، در دوران همه‌گیری بیماری نشان دادند که در این برهه نیز عملکردی مؤثر داشته‌اند. تقریباً تمامی تحلیلگران متفق‌القول معتقدند در میان دولتهایی با رویکرد منطقیتر و عقلانیتر نسبت به این بحران، تعداد چشمگیری از زنان در رأس امور بوده‌اند.

با توجه به مباحث مطرح شده، میتوان نتیجه گرفت که خانواده، رضایت کودک را تا حدی برآورده میکند که به نیازهای اولیه او پاسخ داده شود، یعنی تا اندازه‌یی که محیط، تأثیرگذار و محافظ باشد؛ عبارت دیگر، ایجاد شرایط دوگانه برای رشد کودک ضروری است، زیرا خانواده دنیایی است که در شرایط خاص، باید دفاع در برابر تجاوزات بیرونی را سازماندهی کند تا بتواند از اعضای ضعیفتر حمایت نماید. در این شرایط، این نقش نباید بعنوان «قلعه سخت» محدود شود؛ وظیفه خانواده، آماده‌سازی اعضا برای زندگی است. والدین اولین مربیان واقعی زندگی کودکند که نخستین جهتگیریه‌ها، اولین اطلاعات و آموزه‌ها در مورد پدیده‌های طبیعت و جامعه و اولین توصیه‌ها، هنجارها و قوانین رفتاری را برای آنها فراهم میکنند. لازم به ذکر است که منظور از سن کودکی در این نوشتار زمانی است که کودک شبیه یک «اسفنج» کوچک است؛ یعنی تمام اطلاعات موجود در محیط خارج را

جذب میکند. اما نکته مهم اینست که معمولاً اطلاعات ارائه شده در محیط آموزشی، با آنچه در محیط خانواده عرضه میشود، متفاوت است (Florica Călin, 2021: p.55). بنابراین خانواده باید برداشتی صحیح از محیط بیرونی خود را از آموزشی و غیرآموزشی - داشته باشد تا بتواند در برابر همه آنها بهترین تصمیم را اتخاذ و اجرا کند. همانگونه که حضرت علی (ع) میفرماید: «لاتقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چراکه آنها برای [آینده و] زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۰ / ۲۶۷).

بر همین اساس میتوان گفت خانواده نخستین کانون تربیت، آموزشها و پرورشهای مستقیم و غیرمستقیم است و نقش بسترسازی و پیشگیری را ایفا میکند. اگر فرهنگ‌سازی و درونی‌سازی ارزشها درست و بموقع در خانواده انجام شود، بسیاری از مشکلات خودبخود از میان میرود. امروزه کارشناسان امور تربیتی معتقدند اگر ما سرمایه‌گذارهای خود را از بسترسازیها و پیشگیریها شروع کنیم، هم ریشه‌ی‌تر و اصولی‌تر و هم ارزانتر، کار خود را پیش میبریم. بجای اینکه پس از مواجهه با مشکل با آن برخورد کنیم، میتوانیم مانع وقوع آن شویم (شاملی، ۱۳۸۳: ۱۴۱). همچنین باید توجه کنیم که اولاً، تربیت در زندگی انسان، همیشه نقش حساس داشته و دارد و بدلیل همین نقش اساسی، همواره مورد توجه انسان بوده است بطوریکه کلمه تربیت یا کلمات معادل آن در همه اجتماعات بشری ملاحظه میشود و همه مردم آن را امری مهم قلمداد میکنند. کاملاً روشن است که کسانی که داناترند میتوانند رمز فردا را دریابند و فردا را از آن خود کنند. این تجربه بشر بوده و خواهد بود. ثانیاً، تربیت سالم در صورتی امکانپذیر است که بر شناختهای درست و علمی مبتنی باشد. نکته مهم آنکه تربیت زمانی آسان میشود که مربی قبل از هرچیز خود را تربیت کند؛ به بیان دیگر، شخصی که از تغییر رفتار خویش ناتوان است نمیتواند رفتار دیگران را تغییر دهد (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

اهمیت تربیت کودک از دیدگاه فیزیولوژیک

هنگام تولد، مغز نوزاد یک چهارم مغز بزرگسال است اما تا سه‌سالگی این اندازه سه برابر اندازه اولیه‌اش میشود. رشد اندازه مغز ارتباطی نزدیک با میزان و کیفیت تعاملات فرد با محیط و تجارب گوناگون دارد (Bruer, 2000). علاوه بر اندازه مغز و مهمتر از آن، مسیرها یا ارتباطات عصبی میان سلولهای مغزی است که در این دوران با سرعت و فشاردهی بالایی شکل

میگیرد. در این دوران در هر ثانیه، ۳۴۴ ارتباط عصبی میان نورونها برقرار میشود (Lally, 1997)؛ بهمین دلیل شبکه انبوه و پیچیده‌یی از ارتباطات میان نورونی تولید میگردد و در نوجوانی و جوانی اندک‌اندک این تعداد کاهش می‌یابد.

پژوهشها نشان میدهند که تغذیه مناسب، ایجاد محرکهای مطلوب از طریق تعاملات باکیفیت با کودک، هم زمینه فعالسازی و تقویت مسیرهای عصبی موجود را فراهم میکند، هم تعداد این مسیرها را افزایش میدهد و مسیرهای بلااستفاده را اصطلاحاً، وجین میکند. به این فرایند شکلدهی، ساخت و ساز و به‌گزینی، صیقلی‌سازی، حجاری عصبی یا هرس عصبی گفته میشود که طی آن مسیرهای عصبی، صیقلی و قدرتمند میشوند (Keating and Hertzmn, 1999). علت این امر آنست که رشد طبیعی مغز بسبب قرار گرفتن در معرض محرکهای حسی همچون نور، صدا، اجسام و افراد است و اگر چنین اتفاقی در زمان مطلوب نیفتد، احتمال تضعیف یا حتی بوجود نیامدن برخی کارکردهای مغز وجود دارد.

مهارتهای روابط اجتماعی در این دوره نسبت به دوره‌های دیگر از درجه بالاتری از حساسیت برخوردارند. تمام موارد بیان‌شده به نقش مهم و کلیدی خانواده اشاره دارند، زیرا فرزندان در این رده سنی تمام یا اغلب زمان خود را در میان خانواده سپری میکنند (طلایی و بزرگ، ۱۳۹۴: ۹۹).

نقش خانواده در دوران بحران (کرونا)

بنقل از روابط عمومی دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، آثار روحی و جسمی دوران قرنطینه بر فرزندان به شرح ذیل است:

۱. آثار جسمی قرنطینه: بعلت فعالیت کمتر جسمی، گذراندن زمانی بیشتر مقابل تلویزیون، الگوی خواب بهم ریخته و رژیم غذایی نامطلوب، کودکان مستعد افزایش وزن و کاهش سلامت قلبی عروقی و تنفسی هستند بهمین دلیل خانواده‌ها باید به این موضوع توجهی ویژه داشته باشند.

۲. آثار روانشناختی قرنطینه: بدلیل دوره طولانی قرنطینه، ترس از ابتلا به عفونت کرونا، خستگی و ناامیدی، اطلاعات ناکافی در مورد این بیماری، فقدان ارتباط با همکلاسیها و دوستان و معلمها، نداشتن فضای شخصی در خانه و کاهش توان مالی خانواده، بعضاً آثار روانشناختی‌یی مانند اضطراب، افسردگی و حملات هول (پانیک) در کودکان ایجاد میکند (Wang, 2020).

با توجه به اینکه والدین بهترین و نزدیکترین منابع

امدادرسانی در زمان قرنطینه هستند، رابطه نزدیک والدین با کودکان عاملی مهم برای شناسایی هرگونه مشکل جسمی و روانشناختی در کودکان محسوب می‌گردد. از اینرو والدین علاوه بر نظارت بر رفتار و عملکرد کودک باید به هویت و نیازهای او احترام بگذارند و به او کمک کنند تا مهارت‌های خودانضباطی را افزایش دهد.

همچنین ضروری است که والدین با کودکان بطور مستقیم در مورد احساساتشان صحبت کنند، چون این کار باعث کاهش اضطراب در کودکان شده و از حملات هول (پانیک) جلوگیری میکند؛ ضمن اینکه قرنطینه فرصت خوبی برای والدین است تا ارتباط خود با فرزندان‌شان را با افزایش فعالیتهای خانوادگی مثل بازی کردن با یکدیگر، انجام کارهای خانه با کمک هم و ورزش دسته‌جمعی در خانه، تقویت نموده و با این کار اعتمادبنفس کودکان را بالا ببرند. باید به این نکته توجه داشت که کودکان صدای کمی برای احقاق حقوق خود دارند؛ ما باید صدای آنها باشیم (Ibid).

بنظر میرسد کودکان در مقایسه با بزرگسالان به نوع خفیفتری از بیماری کوید ۱۹ مبتلا میشوند، اما مختل شدن حمایت‌های خانوادگی، افزایش ترس از دست دادن وابستگان و در صورت مرگ یکی از اعضا، اختلال در فرایند سوگواری، میتواند منجر به مشکلات جدی در سازگاری شود، تا آنجا که زمینه‌ساز بروز اختلال استرس پس از آسیب، افسردگی و حتی باعث ایجاد افکار خودکشی در کودکان گردد. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، کودکان در زمان شیوع این بیماری، احساس ترس و اضطراب، کاهش اشتها، انزوای جسمی و اجتماعی را تجربه میکنند و مشکلات هیجانی و رفتاری (حواس‌پرتی و تحریک‌پذیری) زیادی را از خود نشان میدهند (Zhang, 2020).

تحقیقات حاکی از آنست که کودکان در جریان شیوع بیماری کوید ۱۹ اغلب بدلیل انزوای اجباری و تعطیلی مدارس، مجبورند مدت طولانی در خانه بمانند که همین امر باعث شده ارتباط محدودی با همکلاسیهای خود داشته باشند و فعالیتهای فیزیکی در بین آنها کاهش یابد و در نتیجه مشکلات رفتاری و هیجانی بیشتری از خود بروز دهند. مشکل زمانی وخیمتر میشود که قرنطینه در خانه، همراه با عوامل دیگری - مانند بیماری روانی و سوءمصرف مواد والدین، وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین خانواده، قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی و کمبود فرصتهای بازی و سرگرمی- باشد که میتواند شدت

سلامت روان کودکان را تهدید کند. مشکلات سلامت روان در کودکان نه تنها میتواند عوارض و هزینه‌های فردی به‌همراه داشته باشد، بلکه میتواند خانواده و جامعه را دچار مشکل نماید. بر همین اساس با شناخت درست بحران، وظیفه تربیتی والدین در برابر کودکان در این مقطع زمانی بسیار سنگین و مهم بوده و نیازمند شیوه‌های کاربردی برای کمرنگ شدن این بحران در خانواده‌ها و جوامع است.

نقش خانواده در یادگیری فرزندان (در دوران کرونا)

هنگامی که کودک شروع به تحصیل در مدرسه میکند، والدین باید بدانند که تجربه اولیه کودک، اغلب اساس یادگیری بیشتر اوست. دانشمندان معتقدند بلوغ کودک در مدرسه ارتباطی نزدیک با موفقیت بیشتر فرد دارد (Evans, 2013, Brito, 2020). مشارکت والدین در امر آموزش و یادگیری کودکان و همچنین حمایت از کودکی که در خانه آموزش میبیند نیز بر چشم‌انداز آینده کودک، سلامت روان و شکلگیری مهارتهای اجتماعی او تأثیرگذار است. درگیری والدین در فرایند یادگیری کودک، به آنها کمک میکند تا مهارتهای مورد نیاز کودکان را هدمندانه‌تر شکل دهند. حتی در مواردی که والدین فاقد دانش خاص آموزشی هستند، تجربیات شخصی والدین میتواند شرایط یادگیری کارآمدی برای کودکان فراهم کند.

اخیراً بخش عمده‌یی از تحقیقات درباره جنبه‌های همکاری والدین و مربیان در زمینه یادگیری کودکان یا مشارکت والدین در روند یادگیری کودکان متمرکز شده است، زیرا خانواده نخستین مدرسه و دانشگاه کودک است. آموخته‌های دوران کودکی چون نقشی بر سنگ است که در روح و روان فرد نقش میبندد، پدران و مادران الگوی فرزندان خود هستند. الگوهای تفکر و اندیشه، احساسات، عواطف و ارزشها، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی ما غالباً در خانواده پایه‌ریزی شده است (انصاریان، ۱۳۸۰: ۴).

خانواده بعنوان اولین نهاد اجتماعی و تربیتی نقشی بسزا در تربیت و آینده کودکان دارد و در رأس آن، روابط والدین با فرزندان و تعاملات عاطفی و اخلاقی حاکم بر خانواده میتواند در عمق وجودی فرزندان ریشه بدواند و سرنوشت تربیت را در دست بگیرد؛ بویژه در شرایط بحرانی چون بیماری کرونا. بعنوان مثال تفاهم اعتقادی میان والدین و فرزندان که از آن به جو یا بافت عاطفی خانوادگی تعبیر میشود، در انتقال مفاهیم تربیتی از

اهمیتی فراوان برخوردار است. تحقیقات روانشناسان اجتماعی، آسیب‌شناسان روانی، آسیب‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بر این موضوع تأکید دارد (کی‌نیا، ۱۳۵۷).

سلامت روان دانش‌آموزان و دانشجویان

تعطیلی مدارس و قرنطینه خانگی بدلیل شیوع بیماری عفونی و مسری کوید ۱۹، بر سلامت جسمی و روانی کودکان و نوجوانان تأثیرگذار است (Wang, 2020). تحقیقات نشان می‌دهند که کودکان و نوجوانان، زمانی که در تعطیلات آخر هفته یا تابستانی بسر می‌برند معمولاً فعالیت‌های فیزیکی کمتری انجام می‌دهند بهمین دلیل، الگوی خواب و تغذیه آنها مختل می‌شود (Mason, 2018: P.363). وقتی دانش‌آموزان در خانه محدود شوند و فعالیت خارج از منزل نداشته باشند این اختلال تشدید می‌شود. از طرف دیگر، بوجود آمدن محرک‌های استرس‌زا در منزل، مانند ترس‌های طولانی‌مدت از ابتلا به بیماری کرونا، افکار ناخوشایند و همچنین کمی ارتباط با همکلاس‌ها و دوستان و معلمان، کمبود فضای مناسب در خانه و در مواردی مشکلات مالی و اقتصادی و ارتباطی والدین، میتواند آثار سوء ماندگاری بر سلامت روان کودکان و نوجوانان داشته باشد (Brooks, 2020).

نکته قابل تأمل اینست که، بر اساس نتایج تحقیقی، میانگین شاخص استرس پس از سانحه در کودکان قرنطینه شده چهار برابر کودکانی است که قرنطینه نیستند. از اینرو کودکانی که بعلت شرایط بیماری فعلی (کوید ۱۹) در قرنطینه بسر می‌برند قطعاً علائم روانشناختی شدیدتری - مثل اختلال استرس حاد، اختلال سازگاری و سوگ- را از خود نشان خواهند داد، بطوری که بر اساس تحقیقات، ۳۰ درصد از این کودکان علائم اختلال استرس پس از سانحه دارند (Sprang, 2013).

شناسایی علت اختلالات روانشناختی در افراد مختلف جامعه، بویژه دانش‌آموزان که سلامت روان آنها بیشتر در معرض خطر است، امری ضروری و حیاتی است تا با استفاده از شیوه‌های روان‌درمانی مناسب بتوان سلامت روان آنها را حفظ نمود. در شرایطی که سلامت روان همه افراد جامعه تحت تأثیر ویروس کوید ۱۹ در خطر است بهتر است از شیوه‌های روان‌درمانی مناسب و از راه دور و با استفاده امکانات بروز مانند ویدیو کنفرانس، برنامه‌های آنلاین، و نهایتاً تلفن- پروتکل‌های درمانی مناسب ارائه گردد. بر اساس تحقیقات، این شیوه‌ها در درمان اضطراب، افسردگی و

اختلال استرس پس از سانحه (مرگ یکی از عزیزان) مؤثر است. با توجه به در دسترس بودن امکانات بیان شده در کشور میتوان اختلالات روانشناختی مختلف را در افراد مستعد شناسایی کرد و با ارائه پروتکل‌های روان‌درمانی مناسب، میزان اختلالات روانشناختی در بین افراد مختلف جامعه، بویژه دانش‌آموزان را کاهش داد (Turgoose, 2018).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح شده، میتوان نتیجه گرفت که تربیت و آموزش در خانواده‌یی که با فراهم کردن محیط یادگیری غنی، مانند در معرض قرار دادن مغز کودک با تجربه‌ها، فرصت‌ها و محرک‌های متنوع، نتایج متفاوتی نسبت به خانواده‌یی با محرک‌های ضعیف، دربردارد و این آموزش‌ها میتوانند هم در محیط منزل و هم در مدرسه با کیفیت بالا، صورت بگیرند.

دوران کودکی مهمترین زمان برای شکلگیری شخصیت انسان است، زیرا کودک اولین تجربه‌های زندگی خانوادگی خود را در این دوران کامل میکند. محیط خانه‌یی که کودک در آن رشد میکند، گرمی یا سردی محیط خانه، شیوه زندگی، شخصیت و شجاعت او را برای زندگی آینده‌اش رقم می‌زند و آنچه کودک در سالهای اولیه یاد می‌گیرد نقطه آغاز رشد پیچیده فردی است. آگاهی و مسئولیت‌پذیری خانواده نسبت به تربیت فرزندان در این دوران بحرانی بسیار مهم است. همانطور که حضرت علی (ع) فرموده‌اند، کودکان تربیت‌پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه‌ها و اصول تربیتی آگاه باشند، از ویژگی تربیت‌پذیری کودک بخوبی بهره می‌برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی کمک میکنند.

شایان ذکر است که در آیین مقدس اسلام، تربیت صحیح فرزندان، یکی از وظایف مسلم والدین و جزو تکالیفی است که مورد پرسش خداوند قرار می‌گیرد. در حقیقت، جسم و جان کودک، بموازات یکدیگر ساخته میشوند. همانگونه که بدن کودک با تغذیه صحیح و مراقبتهای بهداشتی بسرعت رشد میکند، روان او نیز از تعلیم و تربیت صحیح تغذیه میکند و با قوت و سلامت روح، به کمالی که سزاوار آن است دست می‌یابد و برای یک زندگی خوب و سعادت‌بخش آماده میشود. پدران و مادران نیز باید از فرصت گرانبه‌ای کودکی فرزندان و اصل تربیت‌پذیری آنها بخوبی بهره ببرند و اساس سعادت و خوشبختی آنان را برای همه عمر، پی‌ریزی نمایند.

بنابراین، اگرچه مدرسه در آموزش کودکان از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است، اما نباید فراموش کرد که مدرسه فقط یک مؤلفه از آموزش است که در امر تربیت کودک به خانواده کمک میکند و نقش اصلی را خود خانواده که مهد اجتماعی کودک است ایفا مینماید. روابط میان والدین و فرزندان در نخستین سالهای زندگی کودکان، در کیفیت این روابط در ادامه زندگی کودکان و در زمینه‌های مختلف بسیار مؤثر است. مدرسه نیز از خانواده شروع میشود. این قضیه در مورد مدرسی صادق است که کودک هر چیزی را که برایش مفید است بدون اینکه مجبور باشد آن را بصورت رسمی انجام دهد، شبیه‌سازی میکند. کودک به تحریک فکری نیاز دارد که با ساختن اسباب‌بازی، کتاب، کاست، بازی و همچنین از طریق بحث و گفتگو با بزرگسالان، آموزش ببیند. در این پژوهش سعی شد نقش تربیتی خانواده از زوایای مختلف بررسی گردد و اهمیت وظایف والدین و جایگاه رفیع و اساسی خانواده و کارکرد متفاوت و حساس آن در دوران بحران کرونا مشخص شود.

پیشنهاد‌های کاربردی:

۱. غنی‌سازی محیط خانه و توانمندسازی والدین از طریق آموزش مجازی و وبیناری.
۲. لازم است کودک میان آنچه می‌آموزد و تجارب و خوی و خصلتهایی که در این دوره حساس کسب میکند، یکپارچگی، همسویی و قوام‌دهندگی ببیند تا مسیر رشد وی، تقویت و تثبیت شود.
۳. ضروری است آموزش و پرورش، بهزیستی، خانواده‌ها، مربیان و رؤسای مراکز، متخصصان کودک و روانشناسان، پزشکان متخصص کودک، اصحاب تعلیم و تربیت و... با هم و در کنار هم به مسئله تربیت و آموزش کودکان بپردازند تا بهتر و مؤثرتر بر ساحت‌های رشدی کودک تأثیرگذار باشند.
۴. با توجه به آنکه تربیت کودکان مستقیماً تحت تأثیر رفتارها، اعتقادات، اعمال و التزام عملی خانواده و والدین است، تربیت فرهنگی و ارزشی فرزندان مستلزم آموزش عملی و غیررسمی و از همان ابتدای دوران کودکی در محیط خانه است.

منابع

نهج البلاغه (۱۳۸۳) ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، فیض الاسلام.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید (بی تا) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، عربی.

انصاریان، حسین (۱۳۸۰) نظام خانواده در اسلام، قم: ام‌بیها. برگ، اتوکالین (۱۳۶۸) روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی‌محمد کردان، تهران: اندیشه.

بیگی، روح الله (۱۳۸۹) ارزشهای اجتماعی در قرآن، قم: اسوه. تورانی، حیدر (۱۳۹۹) «پسارنامه در پساکرونا، ضرورت تعلیم و تربیت امروز: مبتنی بر مدل رادار استراتژیک»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال ۱۶، شماره ۵۶، ص ۱۱۷-۱۰۵. جاویدی، طاهره (۱۳۹۸) نقش خانواده در تربیت کودک از دیدگاه امام خمینی (ره)، پیام امام به مناسبت روز ۱ / ۲۵ / ۶۹ (کد مطلب: ۱۵۶۵۳۹، تاریخ مطلب: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵).

حسنی، سیدحمیدرضا؛ موسوی، هادی (۱۳۹۷) انسان‌شناسی صدرایی بمتابۀ ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی صدرالمتهلین برای علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خزاعی، زهرا (۱۸۹۱) «هویت انسانی در اندیشه صدرالمتهلین»، خردنامه صدر، شماره ۶۲، ص ۸۸-۲۶.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۷) آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: سمت.

دلوری پورپاریزی، محبوبه؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۹) «شیوه‌های تربیت فرزندان»، طهورا، شماره ۷، ص ۳۹-۱۵.

شاملی، عباسعلی (۱۳۸۳) «فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۴، ص ۱۴۵-۱۳۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸) فلسفه جدید تربیت و یا فلسفه جدید در آموزش و پرورش، تهران: اطلاعات.

طلایی، ابراهیم؛ بزرگ، حمیده (۱۳۹۴) «تبیین ضرورت تربیت اوان کودکی (پیش از دبستان) مبتنی بر سنتز پژوهی شواهد تجربی معاصر»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲۲، ص ۱۱۷-۹۱.

عطاران، محمدرضا (۱۳۸۲) آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، ابن‌سینا، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: مدرسه.

قائمی، علی (۱۳۷۴) تربیت و بازسازی کودکان، تهران: امیری. کاظمی، مهدی و منصورزاده، فاطمه (۱۳۹۳) نقش و جایگاه خانواده در تربیت فرزندان و تحقق جامعه صالح، چهارمین همایش ملی اخلاق و آداب زندگی، زنجان؛ <https://civilica.com/doc/423459>

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۴) اصول کافی، شرح و ترجمه فارسی محمدباقر کمرهای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

کی‌نیا، مهدی (۱۳۵۷) مبانی جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران. ماکارنکو، آنتوان سمیونویچ (۱۳۸۲) آموزش و تربیت کودکان

- weight gain over the Christmas holiday period: randomized controlled trial. *BMJ*.
- Nunez, P., Suarcz, P., Rosario, G., & Vallejo, A. (2015). Relationships between Perceived parental involvement in Student, homework, student homework behaviors, and academic achievement: differences among elementary, junior high, and high school students. *Metacog. Learn.* 10(3).
- Parker, I. (2014). *The crisis in modern social psychology and how to end it*. Routledge Publications.
- Pomerantz, E., Monti, J. D. (2015) *Measuring parents' involvement in children's education*. Springer.
- Roccella, M. (2020). Children and coronavirus infection (Covid-19): what to tell children to avoid post-traumatic stress disorder (PTSD). *The Open Pediatric Medicine Journal*, 10 (1). 14-19.
- Rubin, G. J., & Wessely, S. (2020). *The psychological effects of quarantining a city*. *BMJ*.
- Rus, M., Sandu, M. L., & Mariana, F. C. (2021). The influence of the educational and family environment on the preschool. *Technium Social Sciences Journal*, Vol. 15, 55-60.
- School readiness. a conceptual framework*. (2012). New York: Britto Unicef
- Shen, K., Yang, Y., Wang, T., Zhao, D., Jiang, Y., Jin, R., & Shang, Y. (2020). Diagnosis, treatment, and prevention of 2019 novel coronavirus infection in children: experts' consensus statement. *World journal of pediatrics*, 5,1-9.
- Sprang, G., & Silman, M. (2013). Posttraumatic stress disorder in parents and youth after health-related disasters. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 7(1), 105-110
- Turgoose, D., Ashwick, R., Murphy, D. (2018). Systematic review of lessons learned from delivering teletherapy to veterans with post-traumatic stress disorder. *Journal of telemedicine and telecare*. 24(9): 575-85.
- Wang, G. Zhang, Y. Zhao, J. Zhang, J., & Jiang, F. (2020). Mitigate the effects of home confinement on children during the COVID-19 outbreak. *The Lancet*. 395 (10228): 945-7
- Zhang, J., Shuai, L., Yu, H., Wang, Z., Qiu, M., Lu, L., & Chen, R. (2020). Acute stress, behavioural symptoms and mood states among school age children with attention-deficit/hyperactive disorder during the COVID19 outbreak. *Asian Journal of Psychiatry*, 51, 10-20.
- (مجموعه مقاله‌های آموزش مارکانکو)، ترجمه محمدجعفر پوینده و سیمین کرمانی‌نژاد، تهران: چشمه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) نبرد حق و باطل، بضمیمه احیای تفکر اسلامی، تهران: صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۸۱) *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی.
- (۱۳۸۶) *الشواهد الربوبیه فی مناهج السلوکیه*، با حواشی ملامهدی سبزواری، تحقیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب.
- مونت سوری، ماریا (۱۳۸۷) *کودک در خانواده*، ترجمه سعید بهشتی، تهران: امیرکبیر.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ ق) *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- نیکزاد، محمود (۱۳۷۵) *کلیات فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: کیهان.
- Barbisch, D., Koenig, K. L., & Shih, F-Y. (2015). Is there a case for Quarantine? perspectives from SARS to Ebola. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 9(5), 547-553.
- Brooks SK, Webster RK, Smith LE, Woodland L, Wessely S, Greenberg N, et al. (2020). The psychological impact of quarantine and how to reduce it: rapid review of the evidence. *The Lancet*.
- Brooks, S. K., Webster, R. K., Smith, L. E., Woodland, L., Wessely, S., Greenberg, N., & Rubin, G. J. (2020). The psychological impact of quarantine and how to reduce it: rapid review of the evidence. *The Lancet*, 395(10227), 912-920
- Bruer, J. (2002). *The myth of the first three years: A new understanding of early brain development and lifelong learning*. New York: Free Press.
- Ghosh, R., Dubey, M. J., Chatterjee, S., & Dubey, S. (2020). Impact of COVID-19 on children: special focus on psychosocial aspect. *Education*, 31, 34-42.
- Keating, D. P. & Hertzman, C. (1999). *Developmental health and the wealth of nations: social, biological and educational dynamics*. New York: The Guilford Press.
- Lally, J. R. (1997). *Brain development in infancy: a critical period*. Sacramento. CA: Child Development Division, California Department of Education.
- Mason, F., Farley, A., Pallan, M., Sitch, A, Easter, C, Daley, AJ. (2018). *Effectiveness of a brief behavioural intervention to prevent*